

■ اصلاحات اجتماعی و اقتصادی رضاشاه و نقش آن در ساختار جمعیتی بوشهر

اعظم ریاحی

■ چکیده

هدف: هدف این پژوهش، بررسی تأثیر اصلاحات اجتماعی و اقتصادی رضاشاه در ساختار جمعیتی بوشهر و در نهایت مهاجرت ساکنان بومی این منطقه به نواحی اطراف است.

روش/ رویکرد پژوهش: در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای به تحلیل تاریخی داده‌ها پرداخته شده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد که اصلاحات صورت گرفته در این دوره، بسیاری از سنن، آداب و رسوم اجتماعی، مذهبی و قومی را تحت الشعاع قرار داد و سبب تغییر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی در مناطق مختلف از جمله سواحل خلیج فارس شد که در آن نظام ایلی و کلان خانوادگی، پایه‌های محکم و استواری داشت. موقعیت ویژه جغرافیایی- تجاری سواحل خلیج فارس، از دیر باز، گروه‌ها و اقوام مختلف را به سوی این منطقه جلب می‌کرد و سبب می‌شد تا ساختارهای اجتماعی این منطقه، بیش از نواحی داخلی ایران، تحت تأثیر عوامل خارجی باشد. بر این اساس، ناتوانی جامعه سنتی در حفظ بایسته‌های خود، در برابر تغییرات ایجاد شده و همچنین نفوذ سرمایه‌داری داخلی و خارجی که سبب شد ساکنان بومی این منطقه از رونق اقتصادی بهره‌چندانی نداشته باشند، باعث مهاجرت بسیاری از ساکنان بومی بنادر جنوبی به بنادر عربی خلیج فارس شد که امکانات و تسهیلات بهتری برای آنها تأمین می‌کرد.

کلیدواژه‌ها

خلیج فارس / بوشهر / مهاجرت / نوسازی / پهلوی اول / تغییر اجتماعی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و دوم، دفتر سوم، (پائیز ۱۳۹۱)، ۶-۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۳۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۱۵

اصلاحات اجتماعی و اقتصادی رضاشاه و نقش آن در ساختار جمعیتی بوشهر

اعظم ریاحی^۱

مقدمه

سال‌های سلطنت رضاشاه، دوران پی‌ریزی نظامی جدید بود. گفتمان نوسازی آمرانه با تأکید بر عناصری چون وحدت ملی و استقلال و پیشرفت و با استفاده از شرایط مساعد بین‌المللی ساکنان رهبری جامعه ایران را در دست گرفت. این گفتمان که به پیدایش دولت مدرن مطلقه انجامید بر پایه نوسازی جامعه از طریق وارد کردن محصولات، تمدن و مدیریت غرب، تأکید بر ضرورت تحقق اجباری و آمرانه نوسازی و انحصاری شدن قدرت سیاسی و اقتصادی قرار داشت. وضعیت جدید سبب تغییر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی در مناطق مختلف از جمله ساختارهای جمعیتی سواحل خلیج فارس شد و مهاجرت عده‌ای از ساکنان بومی این منطقه را به سواحل جنوبی خلیج فارس در پی داشت. بر این اساس، در این نوشتار سعی شد تا با بررسی تاریخی، مبتنی بر اسناد و داده‌های موجود در منابع به این پرسش پاسخ داده شود که با توجه به سیاست‌های اصلاحی رضاشاه و موقعیت سیاسی و تجاری بوشهر که امکانات بسیاری از جمله فرصت‌های شغلی را در منطقه باعث می‌شد چه علل و تغییراتی در این منطقه، سبب مهاجرت ساکنان بومی به نواحی اطراف شد؟

مهم‌ترین پیامد جنگ جهانی اول، در ایران، نظامی از هم گسیخته و اقتصادی ویران بود. در چنین شرایطی، قدرت‌های خارجی، به‌ویژه انگلستان، که آشنفگی سیاسی و اقتصادی ایران را به صلاح خود نمی‌دیدند، در پی تغییر وضعیت سیاسی کشور برآمدند که نتیجه آن کودتای ۱۲۹۹ ش. و ظهور رضاخان در صحنه سیاست ایران بود. نفوذ نظام اقتصادی و اجتماعی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی،
دانشگاه خوارزمی و کارشناس پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
azamriahi@gmail.com



سرمایه‌داری جهانی بر رشد و توسعه اقتصادی ایران تاثیر داشت؛ به گونه‌ای که اقتصاد سنتی ایران را به سوی اقتصاد کالایی و صنعتی سوق داد و در این گذار، روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سنتی کشور نیز تحت تأثیر قرار گرفت که این امر پیامدهایی بر ساختار اجتماعی ایران برجای گذاشت. در کنار تأثیرات محیط بیرونی بر اقتصاد کشور، سیاست اقتصادی رضاشاه در مسیر نوسازی و صنعتی کردن کشور، ثبات درآمد نفتی، امنیت سرمایه‌گذاری، تجدید سازمان مالی، و کاهش بدهی‌های دولت، اقتصاد را سامان تازه‌ای بخشید. گوی روشه در کتاب *تغییرات اجتماعی*، صنعتی شدن را بازدهی مستمر و فزاینده از رشد کار با توسل به ابداع تکنیکی و سازمان عقلایی نیروی کار می‌داند؛ در این معنا، صنعتی شدن چیزی جز جنبه‌ای از توسعه اقتصادی نیست و توسعه اقتصادی به نوبه خود مبتنی بر استفاده از عوامل اقتصادی به منظور افزایش درآمد ملی، بالابردن سطح زندگی عمومی مردم یک کشور است و در نتیجه بهبود رفاه عمومی مردم را در بردارد. اما این گونه توسعه در ایران روی نداد و اسناد به دست آمده بیانگر مهاجرت تعداد زیادی از ساکنان بومی بوشهر و اطراف آن به کشورهای عربی سواحل خلیج فارس است؛ در حالی که اغلب مهاجرت‌ها پاسخی است اختیاری به این انتظار که تحرک مکانی به افزایشی در خوشنودی و رضامندی کلی یا به کاهش محرومیت منجر خواهد شد. بر این اساس این سؤال مطرح است که با توجه به سیاست‌های اصلاحی رضاشاه و موقعیت سیاسی و تجاری بوشهر که امکانات بسیاری از جمله فرصت‌های شغلی را در منطقه باعث می‌شد چه علل و تغییراتی در این منطقه، سبب مهاجرت ساکنان بومی به نواحی اطراف شد؟

فرضیه پژوهش

- سیاست‌های اصلاحی رضاشاه، هر چند در مراکز شهری رونق اقتصادی را به همراه داشت، اما در مناطق مرزی و حاشیه‌ای سبب ضعف نظام‌های تولیدی و اقتصادی و اجتماعی سنتی و در نتیجه مهاجرت ساکنان بومی مناطق سواحل خلیج فارس به نواحی دیگر شد.

مباحث نظری

مهاجرت و جابه‌جایی مکانی انسان‌ها، به‌عنوان موضوعی پایدار در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی، توجه پژوهشگران را به خود معطوف داشته است. پویایی رابطه انسان‌ها با مکان در قلب پدیده مهاجرت قرار داشته است (سجادپور، ۱۳۸۴، ص ۶۴). مهاجرت یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت است که به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثاری سریع و کوتاه‌مدت نیز در تعداد و ساختار



جمعیت ایجاد کند (زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۲). از نظر «اداره امور اجتماعی سازمان ملل»، مهاجر کسی است که:

۱. جهانگرد، بازرگان، دانشجو و یا مسافر عادی نباشد.
 ۲. جزء ساکنان مراکزی که به طور عادی بین دو کشور رفت و آمد می کنند، نباشند.
 ۳. جزء پناهندگان یا افراد یا جمعیت‌های جابجا شده یا انتقال یافته نباشند.
- در این تعریف، آن دسته از افراد که در جست و جوی شغلی (دائم، فصلی یا موقت) تغییر مکان دهند و وابستگان آنها، «مهاجر» محسوب می شوند (گولد، کولب، ۱۳۷۶، ص ۸۲۱).
- پیرامون مهاجرت، علل و پیامدهای آن، نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است. نظریه کارکردگرایان بر تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است و در خصوص دلایل مهاجرت بر این فرض تأکید می کند که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوبی از نظام اجتماعی آموخته می شود. کنش گران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی توانند آنها را برآورده سازند؛ زیرا ویژگی‌های ساختن نظام‌های اجتماعی و کنشگران در طول زمان ایستا نیستند (تقوی، ۱۳۷۱، ص ۴۵).

طرفداران نظریه وابستگی در مهاجرت، بر این عقیده‌اند که علت‌های مهاجرت را نمی توان از اثرات آن جدا کرد؛ زیرا مهاجرت از یکسو معلول توسعه نابرابر است و از دیگر سو، عامل گسترش و تعمیق توسعه نابرابر. در علت‌یابی مهاجرت از حاشیه‌ها مانند روستاها و شهرهای کوچک به سایر مناطق، نظریه پردازان وابستگی ابتدا به مسئله توسعه نیافتگی توجه دارند و در این رابطه، نابرابری ساختی و مکانی بین بخش‌های جامعه را در نظر دارند. از آنجا که توسعه نیافتگی و نابرابری ساختی و مکانی در پیشرفت جهان سوم از شکل گسترش سرمایه‌داری در این کشورها ناشی می شود، باید دو دسته عامل را برای بیان مهاجرت در آنها در نظر داشت: ۱. عوامل تغییر دهنده و ۲. عوامل رکودی. عوامل تغییر دهنده با نفوذ سرمایه‌داری در مناطق سنتی و ایجاد تغییر در فنون تولید ارتباط دارد. عوامل رکودی زمانی ایجاد می شود که رشد جمعیت از تولیدات کشاورزی و سنتی پیشی می گیرد و نیروی کار اضافی را وادار به مهاجرت می کند (لهسانی‌زاده، ۱۳۶۸، صص ۱۴ و ۱۵). در واقع، ماهیت مهاجرت روستاییان و شهرهای کوچک با انتقال ساختی این مناطق در اثر ادغام در نظام سرمایه‌داری مرتبط است و پس از تثبیت سرمایه‌داری وابسته در کشورهای جهان سوم و در حال پیشرفت، مهاجرت شکل خاصی به خود می گیرد. نخست آنکه مهاجرت شامل بخشی از جامعه می شود و افراد را وادار به حرکت از مکان خود می کند. دوم، تصمیم به مهاجرت داوطلبانه نیست، بلکه شکل دیگری برای زندگی وجود ندارد. سوم، مهاجرت به جای نامعین نیست، بلکه از روی الگویی خاص و به بخش‌های خاصی انجام می شود. چهارم، عامل اصلی مهاجرت،

اقتصادی و نیروی کار بوده و در غیر این صورت به شکل موردی و غیر توده‌ای انجام می‌شود (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۵).

اما نظریه دیگری که می‌تواند مکمل نظریه‌های پیش گفته باشد، دیدگاه نظریه پردازان مدل‌های جاذبه و دافعه است که به‌طور کلی به دو دسته عوامل توجه دارند: ۱. عواملی که باعث دافعه انسان‌ها از محل اسکان خود می‌شود و ۲. عواملی که باعث جذب آنها در منطقه مقصد می‌شود. در این نظریه، عوامل اقتصادی - فیزیکی نامناسب در یک مکان موجب می‌شود که افراد، محل زندگی خود را ترک کرده و به مکان دیگری نقل مکان کنند که از نظر اقتصادی، اجتماعی، و فیزیکی در شرایط بهتری است (حاج حسینی، ۱۳۸۵، ص ۳۷).

بر اساس نظریه‌های پیش گفته، مهاجرت خواه در اثر فشارهای اقتصادی یا سیاسی پدید آید و خواه شامل بخشی از افراد یا کل آنها شود، در نظام اجتماعی انجام می‌شود. نظام اجتماعی نیز در کشورهای در حال پیشرفت در قالب سه مفهوم قرار می‌گیرد: ۱. اقتصاد جهانی، ۲. شکل‌بندی/قشر بندی اجتماعی، و ۳. نظام تولیدی (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۲۲). به‌منظور درک مهاجرت در ایران در دوره رضاشاه بررسی این سه ساخت ضروری است.

با توجه به وجود اسنادی مبنی بر تشدید مهاجرت بومیان بوشهر و نواحی اطراف آن به شیخ نشین‌های خلیج فارس (ساکما: ۲۴۰۰۰۹۰۱۴)، در نوشتار حاضر در نظر است علل و پیامدهای این مهاجرت بر اساس سه قالب فوق و با نگاهی به نظریه‌های پیش گفته تبیین و بررسی شود.

اقتصاد جهانی

اقتصاد جهانی به گونه‌ای است که فرآیندی واحد بر تولید حاکم است که در این روند کشورهای مرکزی بیشترین مازاد تولید شده در کشورهای پیرامونی را دریافت می‌کنند. کشورهای پیرامونی، دارای قشر بندی اجتماعی ویژه‌ای هستند و در اثر نفوذ سرمایه‌داری، تغییراتی در نظام تولیدی آنها ایجاد می‌شود. بر اساس ویژگی انحصار طلب سرمایه‌داری جهانی، تمایل عمومی سرمایه‌داری به شکلی است که در کشورهای پیرامونی نفوذ کرده و در بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری می‌کند.

بوشهر یا ابوشهر در ساحل خلیج فارس قرار دارد که به روایت بارتولد در گذشته دور، سیف (ساحل دریا) نامیده می‌شد (بارتولد، ۱۳۰۸، ص ۲۱۹). خلیج فارس، به لحاظ اهمیت اقتصادی و بازرگانی محل عبور جاده ادویه بود (بینا، بی تا، ص ۲۱۲) و همواره سایر کشورها و دولت‌ها برای تبادل علم، ثروت، و گسترش قدرت به آن نظر داشتند. این ناحیه ساحلی، از چهار هزار سال پیش از میلاد مرکز تجاری و اقتصادی و محل آمد و شد



فینیقی‌ها بود (سعیدی، بی تا، ص ۲۰۵). در زمان هخامنشیان، که کشور ایران به بیست ساتراپ‌نشین تقسیم شد، این نواحی جزء ساتراپ‌نشین پارس بود. مقابر کنده شده بر سطح سنگی جزیره خارک، دلیل بر حضور سربازان هخامنشی در بوشهر است که برای نگهداری از چنین راه طولانی تدارک شده بود (سعیدی، بی تا، ص ۲۰۶). ساسانیان، از این ناحیه برای لشکرکشی‌های خود استفاده می‌کردند (نفیسی، بی تا، ص ۶۵). به نظر می‌رسد با تهاجم اعراب به خلیج فارس شاپوردوم آنها را کوچاند و ایرانیان را جایگزین آنها کرد و اولین نیروی دریایی به همت او در خلیج فارس ایجاد شد (مدنی، ۱۳۶۹، ص ۷۷). اولین یورش دولت‌های اروپایی به سواحل خلیج فارس در ۹۱۲ق. با حمله پرتغالی‌ها، به بهانه حراست از منافع پرتغال برابر تجار مصری و ونیزی انجام شد. در سال ۱۰۱۳ق. شاه عباس، در پی اتحاد با انگلیسی‌ها، دست پرتغالی‌ها را از خلیج فارس کوتاه کرد (اسکندر بیک منشی، ۱۳۸۲، ص ۹۷۹). با این اقدام، هرچند پرتغالی‌ها از خلیج فارس اخراج شدند؛ ولی میدان برای رقابتی تجاری آنها یعنی انگلیس و هلند باز شد. به نظر می‌رسد که اهمیت هرگز در این زمان بیش از سایر مراکز بازرگانی خلیج فارس بود، اما زمانی که انگلیس و هلند برای تجارت خلیج فارس باهم رقابت داشتند، از اهمیت هرگز کاسته شد و بندر بوشهر رونق گرفت. نادر شاه، در صدد برآمد تا به کمک انگلیسی‌ها در این ناحیه نیروی دریایی تأسیس کند و تا اندازه‌ای هم موفق شد (تکمیل همایون، ۱۳۸۰، ص ۴۶). در دوره کریم‌خان زند، انگلیسی‌ها به موجب فرمانی از او، امتیازات مهمی در بوشهر به دست آوردند و با گسترش نفوذ کمپانی هند شرقی در مسیر ارتباطی هند تا خلیج فارس توانستند سلطه بی‌منازعی را در این ناحیه کسب کنند.

انقلاب کبیر فرانسه و به قدرت رسیدن ناپلئون، در خاورمیانه تأثیر گذار بود. ناپلئون، در ادامه سیاست دستیابی به مستعمرات انگلیس ابتدا نیروهای رادر مصر پیاده کرد و نفوذ انگلستان را در این منطقه تحت الشعاع قرارداد؛ در ادامه، مستعمره طلایی انگلستان، هند، را نشانه گرفت که یکی از راه‌های ورود به آن بنادر جنوب ایران بود؛ همچنین، به لحاظ تجاری، بندر بوشهر در دوره قاجار یکی از مهم‌ترین دروازه‌های ایران، برای واردات و صادرات کالا به شمار می‌رفت. بیشتر صادرات کشور، از طریق همین بندر انجام می‌شد (لوریمر، ۱۳۷۹، صص ۱۷۰-۱۷۱). انگلستان، با درک این موضوع با عقد قرارداد با شیخ‌نشین‌های پیرامون خلیج فارس و دریای عمان چون کویت، عمان و مسقط حلقه‌ای از متحدان خود را در منطقه به وجود آورد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۳، ص ۶۳۷)، و با بسط نفوذ خود، بندر بوشهر را پایگاه تجاری و نظامی خود کرد، تا آنجا که قدرت کنسول انگلیس در بوشهر از دریایی‌گی این بندر و فرمانروای فارس نیز بیشتر بود و سیاست‌های حاکم بر این منطقه از طریق کنسول انگلیس اعمال می‌شد.

از سالیان پیش، گمرک بوشهر، به عنوان ضمانت وام‌ها و یا امتیازهای اعطایی، در گرو

انگلیسی‌ها بود و اغلب توسط مستشاران خارجی اداره و سیاست‌گذاری می‌شد. این وضع موجب اعمال سیاست‌های گمرکی و مالیاتی شد که بسیاری از تجار و کشتی‌داران سنتی بنادر ایرانی خلیج فارس را به دلیل افزایش گمرک و سختگیری‌های مأموران به ورشکستگی کشاند، در حالی که تجار و بازرگانان خارجی با استفاده از معافیت‌های گمرکی و دسترسی به ناوگان مجهز توانستند سود سرشاری را به دست آورند (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵). دسترسی اروپائیان به ناوگان کشتیرانی مدرن و بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵)، مجالی برای تجار و کشتیرانی سنتی بندرهای ایرانی خلیج فارس نمی‌گذاشت. بوشهر برای انگلیس از اهمیت زیادی برخوردار بود تا آنجا که کنسول انگلیس در بوشهر سمت کنسول انگلیس در بنادر جنوب و ریاست عالیه نمایندگان سیاسی انگلیس در خلیج فارس را با هم داشت و نمایندگان انگلیس در بحرین، کویت، شارجه و مسقط تحت امر کنسول انگلیس در بوشهر بودند (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵).

هر چند مهاجرت تجار ایرانی ضربه سنگینی بر تجارت بنادر ایرانی وارد کرد؛ اما اگر موقعیت ترانزیت بنادر ایرانی خلیج فارس تقویت می‌شد، امکان حفظ موقعیت برتر تجاری ایران بود. ولی در این بخش هم ایران موفق نبود، چرا که تجارتخانه‌های هندی مایل بودند بدون واسطه با بنادر عربی معامله کنند و بنادر عربی با استفاده از این موقعیت تسهیلات لازم را در اختیار تجارتخانه‌های هندی و خارجی و حتی ایرانی قرار می‌دادند (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵). صید مروارید یکی از مهم‌ترین منابع درآمد مردم بنادر جنوب محسوب می‌شد. پس از جنگ جهانی اول، با رونق بازار مروارید پرورشی ژاپن، کاهش قیمت مروارید در سطح جهانی به دلیل بحران اقتصادی عمومی، افزایش صید مروارید در بازار خلیج فارس (در سالیان قبل)، و ممانعت مأموران دولتی از صید مروارید، سبب کساد داد و ستد مروارید و در نتیجه بیکاری بسیاری از شاغلان این بخش شد. در زمان رونق بازار مروارید، سود سرشاری عاید کارگران می‌شد. بسیاری از آنها زارعان یا پیشه‌ورانی بودند که شغل اجدادی خود را تبدیل به صیادی مروارید کرده بودند و از آنجا که بازگشت به شغل سابق ممکن نبود با خانواده خود به بنادر عربی خلیج فارس مهاجرت کردند (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵). استمرار مهاجرت اهالی بنادر جنوب سبب شد تا اداره معادن وزارت مالیه هیاتی را مأمور رسیدگی به این امر و علل آن نماید (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۲۲۷).

برتری نظام سرمایه‌داری و تجارت خارجی، فرآیند تولید و تجارت سنتی را بر هم زد. به خاطر ماهیت توسعه‌طلبانه نظام سرمایه‌داری عرصه بر نظام تولیدی سنتی تنگ شد و نیروی کار این بخش برای حفظ زندگی و امرار معاش مجبور به مهاجرت به سایر نواحی از جمله شیخ‌نشین‌های عربی شد.



نظام تولیدی و معیشت

وجود اسناد فراوانی که بیانگر علل اقتصادی و تجاری مهاجرت در بنادر ایرانی خلیج فارس به ویژه بوشهر و نواحی اطراف آن هستند، شایان توجه است. اقتصاد بوشهر و نواحی اطراف آن به بخش‌های کشاورزی، دامداری، شیلات، و تا حدودی صنعت متکی بود. صنایع آن نیز به دو بخش صنایع دستی و ماشینی تقسیم می‌شد. صنایع کشتی و لنج‌سازی، توربافی، کوزه، و سفال مهم‌ترین آنها محسوب می‌شد. اما، در این دوره زمانی، هر چند بوشهر و سایر شهرهای جنوبی ایران در حاشیه خلیج فارس، به جهت دسترسی به آب‌های آزاد، نقش مهمی را در تجارت بین‌المللی ایفا می‌کردند؛ به نظر می‌رسد که سهم همگان از این رونق اقتصادی یکسان نبود، در حالی که وضعیت معیشت گروهی معدود بهبود یافت، وضعیت زندگی ساکنان بومی - به ویژه ساکنان نواحی اطراف شهرها و یا کسانی که به اقتصاد سنتی وابسته بودند - رو به وخامت رفت.

سال‌های سلطنت رضاشاه، دوران پی‌ریزی نظامی جدید بود. گفتمان نوسازی آمرانه با تأکید بر عناصری چون وحدت ملی، استقلال، پیشرفت و با استفاده از شرایط مساعد بین‌المللی ساکنان رهبری جامعه ایران را در دست گرفت. این گفتمان که به پیدایش دولت مدرن مطلقه انجامید، دارای سه ویژگی اصلی است:

۱. نوسازی جامعه از طریق وارد کردن محصولات، فناوری، و مدیریت غرب؛
۲. تأکید بر ضرورت تحقق اجباری و آمرانه نوسازی؛ و
۳. انحصاری شدن قدرت سیاسی و اقتصاد.

رضاشاه، پس از تحکیم حکومتش، برنامه اصلاحات اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی را آغاز کرد که تأثیر آن بر نظام اقتصادی و تولیدی بوشهر و نواحی اطراف آن بررسی می‌شود. از دیرباز تجارت خلیج فارس و سواحل دریای عمان در بنادر و جزایر ایران تمرکز داشت و جزایر هرمز، کیش، و قشم و بنادر سیراف و بوشهر مرکز تجاری منطقه محسوب می‌شدند، اما پس از اصلاح ساختار گمرک و افزایش عوارض (مکی، ۱۳۸۰، صص ۲۵۰-۲۵۱؛ گمرکات ایران^۱، ۱۳۱۳، ص ۵۵، ۱). به تدریج، مرکزیت تجارت کالا از بنادر ایرانی خلیج فارس به بنادر کشورهای عربی منطقه منتقل شد. متعاقب این وضع، برخی تجار ایرانی، که تجارت در این وضع را به سود خود نمی‌دیدند، به سواحل عربی خلیج فارس همچون بحرین و کویت مهاجرت کردند که عوارض گمرکی در آنجا حدود دو یا سه درصد بود. از سویی، تشریفات گمرکی و سختگیری‌های مأموران ایرانی نسبت به تردد مسافران و کشتی‌ها مزید بر علت بود. سهولت رفت و آمد مسافران و کشتی‌ها و نبود سختگیری و تشریفات گمرکی در بنادر عربی، سبب مهاجرت برخی صاحبان کشتی‌های بادی ایرانی به این مناطق شد (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵).

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. مجله گمرکات ایران، این نشریه در هر شماره خود قوانین جدید گمرکی را آموزش می‌داد که اغلب آنها حاکی از افزایش عوارض گمرکی بود.



در بسیاری از گزارش‌ها سخت‌گیری مأموران گمرک دلیل مهاجرت ساکنان مناطق مختلف از جمله بوشهر عنوان شده است و به نظر نمی‌رسد دستورات وزارت داخله برای بهبود این وضع به انجام رسیده باشد (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۲۲۷). با وجود تلاش دولت برای بازگرداندن مهاجران، در نامه محرمانه شماره ۱۰۹م به تاریخ ۱۳۱۷/۱۰/۱۹ فرمانداری بوشهر به وزارت کشور آمده که تعداد ایرانیان بازرگان و پیشه‌ور صاحب املاک و ثروت در دُبی آنچنان زیاد است که حکومت دبی نیز مانند بحرین و کویت در صدد کاهش نفوذ ایرانیان در این بندر است (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵؛ ۲۹۳۰۰۲۸۴؛ ۳۵۵۵۰۰۰۲۸۴؛ ۲۹۳۰۰۴۲۲۷). گزارشی دیگر، از فرماندار بندر جنوب به وزارت داخله به تاریخ ۱۳۱۶/۱۰/۲۷ حاکی از مهاجرت ۹۵۰ نفر از اهالی بندر لنگه در یک روز است. دولت برای رفع این مشکل دستور داد تا تلگراف بندر لنگه تا بوشهر و سایر نقاط به منظور سهولت ارتباط تجار با سایر نقاط دایر شود و وسائل بازگشت و رفاه حال مهاجران تأمین شود (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۲۲۷). اهالی دشتی و دشتستان طی عریضه‌ای به حکمران بندر جنوب، ضمن بیان وضعیت بد معیشتی خود از او درخواست کردند تا به هر خانوار اجازه دهند تا چهار من برنج و مقداری خرما که از تاجر خرده پا مساعده گرفته می‌شود از عوارض گمرکی معاف باشد (ساکما: ۲۹۳۰۰۱۱۶). در گزارشی دیگر، به تاریخ ۱۳۱۵/۸/۹ عنوان شده که گمرک، اهالی را کاملاً در تنگنا قرار داده است و حتی هنگامی که کشتی‌های محلی، برای تهیه آذوقه اهالی و خانواده خود لنگر می‌اندازند، اگر کمی اضافه‌بار داشته باشند اجناس آنها توسط گمرک مصادره می‌شود. صاحبان کشتی که برای بحرین و کشورهای عربی بار حمل می‌کنند، هنگام عبور از بندر ایرانی اجازه دیدار با خانواده خود را ندارند (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۲۲۷).

راه‌ها و جاده‌ها به‌ویژه راه‌های اصلی یا فرعی، در پیدایش، رونق و توسعه شهر و آبادی‌ها نقش بسزایی دارند. شهرها و آبادی‌های واقع بر سر راه‌های مهم، با توجه به موقعیت خاص خود که زمینه پیدایش تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی هستند؛ همواره مورد توجه و محل رفت و آمد سیاحان، مورخان، جغرافی‌دانان، و سیاست‌مداران هستند. احداث راه‌آهن سراسری ایران در سال ۱۳۰۷ش. و اتصال آن به محمره (خرمشهر) در سال ۱۳۱۷ش.، را می‌توان از دیگر دلایل افت تجاری بوشهر و نواحی اطراف آن و مهاجرت ساکنان بومی دانست. بندر بوشهر در زمان رضاشاه در فعالیت بازرگانی با سایر کشورها و شیخ‌نشین‌های عربی حوزه خلیج فارس، نقش مهمی ایفا می‌کرد. اما، به تدریج با ایجاد راه‌آهن سراسری، امور تجاری این بندر، به محمره انتقال یافت و از رونق آن کاسته شد. چرا که کالاها، به دلیل نزدیکی محمره به بندر شاهپور از طریق این بندر جابه‌جا می‌شدند (مکی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۴۵۷؛ دهقان‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۳۶؛ آرامش، تیر و مرداد ۱۳۱۹، ش ۲ و ۳، ص ۳۳؛ دولت آبادی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۲۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۱۵۹).

از سرزمین ایران، به دلیل شرایط اقلیمی و کمی آب، تنها کمتر از ۱۰ درصد آن قابل کشت است که آن هم پراکنده و در یک و یا چند منطقه بزرگ متمرکز نیست. این امر موجب پیدایش جوامع نسبتاً کوچک و پراکنده‌ای شده که به دلیل دوری از یکدیگر و محدود بودن امکانات مبادلات تجاری بین منطقه‌ای، به ناچار بر پایه خودکفایی اداره می‌شوند. کوچک بودن این جوامع و خودکفایی، به نوبه خود موجب پیدایش مجموعه‌ای از جوامع معیشتی با بهره‌وری اقتصادی نسبتاً پایین و مازاد تولید کم شده است. در بنادر ایرانی خلیج فارس نیز شرایط نامناسب آب و هوا مانع از رونق کشاورزی بود؛ پس از جنگ جهانی اول، خشکسالی در این نواحی مزید بر علت شد. از آنجا که اغلب نقاط از داشتن رودخانه محروم بودند و آب دریا زمین‌های اطراف را برای کشاورزی نامناسب کرده بود، اندک زمین‌های کشاورزی هم خشک شدند و قیمت محصولات کشاورزی افزایش یافت. این وضع سبب شد تا گروهی شیوه معیشت و تولید خود را تغییر دهند یا به سایر نقاط مهاجرت کنند (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵).

مهاجرت، اقدامی است که از طرف افراد انجام می‌گیرد و به طور وسیعی در ارتباط با عملکردی است که آنان در جامعه دارند و این امر نه تنها به منظور افزایش درآمد خانوارها و به حداکثر رساندن آنها انجام می‌گیرد، بلکه در جهت کاهش و به حداقل رساندن مخاطراتی است که بازار کار کشورهای مهاجر فرست با آنها مواجه است. مخاطراتی چون نبود امنیت و فرصت‌های شغلی و کاستی‌های بازار و نظایر آن که یا وجود ندارد یا از دسترسی اکثریت نیروی کار به دور است (زنجان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۲). روانشتاین، مهاجران را اشخاصی به شمار می‌آورد که برای دستیابی به زندگی اقتصادی بهتر برانگیخته می‌شوند. به عقیده او مهاجران از مناطق فقیر به مناطقی که فرصت‌های بیشتری به آنها می‌دهد، نقل مکان می‌کنند (فیندلی، ۱۳۷۳، ص ۳۰).

نظام اجتماعی

گرچه عوامل اقتصادی در مهاجرت اهمیت بسیار بالایی دارند، همواره نمی‌توان آنها را یگانه علت برانگیزاننده مهاجرت‌ها دانست. در مواردی مهاجرت برای دوری جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده حیات انسانی، و در مواردی برای سکونت در نقاط خوش آب و هوا یا زندگی در بطن جامعه، قوم یا فرهنگ خودی انجام می‌شود که نه تنها ممکن است انگیزه‌های اقتصادی نداشته باشد، بلکه حتی در جهت عکس آن جریان یابد. مهاجرت از دیدگاه اجتماعی می‌تواند معلول عللی چون تشکیل یا الحاق به خانوار، تحصیل اعضای خانوار، تحمل ناپذیر شدن شرایط زیست در مبدأ و تمایل به زندگی

در جای دیگر، همچنین به علل سیاسی و تاریخی باشد که بخش عمده‌ای از آنها به دیدگاه‌های فرهنگی و اجتماعی افراد مربوط می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸).

جامعه سنتی حول محور خانواده یا کلان، سازمان می‌یابد، بنابراین جامعه‌ای است با تحرک اجتماعی محدود، و مشخصه آن نوعی تقدیرگرایی مزمّن است، یعنی وضعیت و شرایط عمومی آنچنان که هست مورد قبول عامه مردم بوده و تمایلات محدودی برای تغییر شرایط مشاهده می‌شود (روشه، ۱۳۶۶، ص ۲۰۸).

تلاش رضاشاه برای ایجاد جامعه‌ای شبه غربی بر مبنای غیردینی‌سازی، مبارزه با قبیله‌گرایی، ملی‌گرایی، و سرمایه‌داری دولتی، بسیاری از سنن و آداب و رسوم اجتماعی، مذهبی، و قومی را تحت‌الشعاع قرارداد. در واقع، رویارویی آداب و رسوم با سیاست‌های نوسازی، تغییراتی را در ساختار اجتماعی منطقه ایجاد کرد که ناتوانی جامعه سنتی در مقابله با آن و تلاش برای حفظ آداب و رسوم و ساختارهای سنتی خود، سبب مهاجرت بسیاری از ساکنان بومی بنادر جنوبی به بنادر عربی خلیج فارس شد که امکانات و تسهیلات بهتری برای آنها تأمین می‌کرد. هر چند وطن‌خواهی و استبدادستیزی مردمان جنوب ایران با نام بزرگمردانی چون رئیس‌علی دلواری و باقرخان تنگستانی جاودان شده، اهمیت سازمان قومی و ایلاتی در این منطقه نیز انکارناپذیر است. نظام خدمت سربازی اجباری از عللی محسوب می‌شد که به خاطر نداشتن تناسب با نظام ایلی سبب مهاجرت عده‌ای شد. افزون بر تعصبات ایلی، که وفاداری به ایل و رئیس ایل را تأکید می‌کرد، بدفتاری مأموران دولتی هنگام سربازگیری و مشکلات جمعیتی، از عللی بود که سبب مهاجرت ساکنان بومی به کشورهای عربی خلیج فارس شد (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵؛ ۲۹۳۰۰۱۱۶؛ ۲۹۳۰۰۱۱۶). افزون بر این، در اینگونه جوامع، به خاطر نوع نظام و روابط تولید که بر پایه تجارت و صید قرار داشت، مردان در تأمین هزینه معیشت خانوار بیشترین سهم را داشتند. در عریضه مردم دشتی و دشتستان به فرمانداری کل بنادر جنوب درخواست شده تا مدتی مردان این بخش از نظام وظیفه معاف شوند چراکه جمعیت مرد این ناحیه کم است و شمول تعدادی از آنها در نظام وظیفه برای مردمی که حتی به خاطر نبود بضاعت مالی قادر به استفاده از لباس متحدالشکل نبودند مشکلات زیادی را در پی داشت (ساکما: ۲۹۳۰۰۱۱۶؛ ۲۹۳۰۰۱۱۶). در سال ۱۳۰۷ ش.، مجلس لباس‌های سنتی را غیر قانونی و افراد ذکور بزرگسال (به جز روحانیان) را به پوشیدن لباس‌های مدل غربی و کلاه پهلوی موظف کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۸). کوشش رضاشاه برای تبدیل سریع ایران به کشوری مدرن، با سرکوب اقشار و مناسبات سنتی همراه بود. تغییر لباس مردان، به نحوی بسیار آمرانه، و تهاجم گسترده به شیوه‌های سنتی زندگی، موجب نارضایتی توده‌های مردم، به ویژه اقشار سنتی شد.

بدرفتاری مأموران اداری و نظامی با ساکنان محلی نیز از موارد شایان توجه است. بنادر جنوب تبعیدگاهی برای مأموران و کارمندان بدسابقه محسوب می شد. بدی شرایط آب و هوا مانع از اعزام مأموران کاردان و با تجربه به این محل می شد. از سویی، گرانی اجناس و سختی معیشت در این بنادر سبب گلاویزی مأموران با مردم محلی می شد. حضور اندک مأموران کاردان و با کفایت نیز در تغییر و اصلاح این وضع تأثیری نداشت (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵: ۲۹۳۰۰۴۲۲۷). در گزارش شماره ۸۴۹۴ وزارت مالیه به تاریخ ۱۳۱۶۳/۴، درباره مهاجران بنادر جنوب، بدرفتاری مأموران دولتی، ناکافی بودن حقوق و بدی وضعیت زندگی، سختگیری مأموران نظام و جلودگی از ماهیگیری و صید مروارید توسط جوانان آن منطقه را سبب مهاجرت اهالی جنوب ذکر کرده است (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۲۲۷).

افزون بر موارد یاد شده قوانین، امکانات، و تسهیلاتی که کشورهای عربی برای جذب مهاجران تأمین می کردند؛ توانست بسیاری از ایرانیان ساکن در بنادر جنوبی را به سوی خود جلب کند. محل اسکان رایگان، بذر و امکانات زراعی رایگان، تسهیلات لازم برای صنعتگران، پیشه‌وران و تجار، تبلیغات درباره ارزانی معیشت در بنادر عربی از جمله تسهیلاتی بود که سبب مهاجرت شمار زیادی به مناطق عربی خلیج فارس از جمله عمان، بحرین و کویت شد (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۴۵).

نتیجه‌گیری

در دوره پهلوی اول، بوشهر و بنادر اطراف آن به واسطه موقعیت استراتژیک از رونق تجاری و اقتصادی برخوردار بود، اما سهم همگان از این رونق اقتصادی یکسان نبود و ساکنان محلی از آن بهره چندانی نداشتند. هر چند ساکنان محلی بوشهر و بنادر اطراف آن زندگی ساده و مبتنی بر حداقل معیشت داشتند، نداشتن تعلقات دنیوی و اتکای آنها بر حداقل وسایل و ملزومات زندگی، زمینه را برای مهاجرت آنها و ترک محل زندگی هموار می کرد. محرک‌های محیطی نیز این پیش‌زمینه و علل دافعه را تقویت می کردند. در بخش اقتصادی، نبود فرصت‌های شغلی - که معلول سیاست‌ها و قوانین جدید گمرکی دولت، سیاست‌های اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، و همچنین کارشکنی کشورهای مهاجرپذیر بود - زمینه را برای مهاجرت مردم محلی که به مشاغل سنتی و متناسب حال خود عادت کرده بودند و توانایی استفاده از فرصت‌های شغلی جدید و غیرمرتبط را نداشتند، آماده کرد. در بخش اجتماعی، رویارویی برنامه‌نوسازی دولت با سنن محلی و رفتار نامناسب مأموران دولتی برای اجرای سیاست‌های دولت، ساکنان محلی را به آن سوی خلیج فارس و کشورهای عربی سوق داد که با برنامه‌های تبلیغاتی و تأمین امکانات، بسیاری از اهل حرف، زارعان و تجار محلی

بنادر جنوب ایران را که با آنها اشتراک فرهنگی و زبانی نیز داشتند، برای افزایش جمعیت کارآمد خود جذب می کردند.

کتابنامه

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب* (احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نشر نی.
- بارتولد، و. (۱۳۰۸). *جغرافیای تاریخی ایران* (حمزه سردادور، مترجم). تهران: توس.
- بینا، علی اکبر (بی تا). تاریخ دوهزار و پانصدساله خلیج فارس. در *مجموعه مقالات خلیج فارس* (ج ۱ و ۲). بی جا: سازمان سمعی و بصری.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲). *عالم آرای عباسی* (ج ۳). (ایرج افشار کوششگر) تهران: امیرکبیر.
- تقوی، نعمت الله (۱۳۷۱). *مهاجرت های روستا - شهری. درآمدی جامعه شناسختی بر نظریه ها*. تبریز: ستوده.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۰). *خلیج فارس*. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵). *سیری در نظریه های مهاجرت*. راهبر، ۳۶، ۴۱-۴۶.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی* (ج ۴). تهران: عطار.
- دهقان نژاد، مرتضی؛ کاظمی، ظریفه (۱۳۸۹، بهار). تجارت بوشهر و راه های تجاری آن در سال های ۱۲۹۳-۱۳۲۴ ش. *گنجینه اسناد*، ۲۰(۱)، ۲۲-۳۸.
- روشه، گی (۱۳۷۰). *تغییرات اجتماعی* (منصور وثوقی، مترجم). تهران: نشر نی.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰). *مهاجرت*. تهران: سمت.
- سجادپور. سید محمد کاظم (۱۳۸۴). *چارچوب مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین المللی* مورد ایران. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۷۸.
- سدیدالسلطنه، محمد علی (۱۳۶۳). *بندر عباس و خلیج فارس* (احمد اقتداری، مصحح). تهران: دنیای کتاب.
- سعیدی، محمد (بی تا). *خلیج فارس در روزگار باستان*. در *مجموعه مقالات خلیج فارس* (ج ۱). بی جا: سازمان سمعی و بصری.
- فیندلی، سلی (۱۳۷۲). *برنامه ریزی مهاجرت های داخلی* (عبدالعلی لهسایی زاده، مترجم). شیراز: نوید شیراز.
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)*. (محمد رضا نفیسی، کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
- گمرکات ایران*. (اردیبهشت ۱۳۱۴). ش ۶۶.
- گمرکات ایران*. (تیر ۱۳۱۳). ش ۵۶.
- گمرکات ایران*. (خرداد ۱۳۱۳). ش ۵۵.
- گولد، جولیس؛ کولب ویلیام، ل. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی* (مصطفی اذکیبا و دیگران، مترجمان). تهران: مازیار.
- لوریمر، ج. ج. (۱۳۷۹). *راهنمای خلیج فارس: تاریخ و جغرافیای استان بوشهر* (محمد حسن نبوی، مترجم). شیراز: نوید شیراز.



لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۳۸). *نظریات مهاجرت*. شیراز: نوید شیراز.
مدنی، احمد (بی تا). دریانوردی در خلیج فارس و پیشینه تاریخی آن. در *مجموعه مقالات خلیج فارس* (ج ۱).
بی جا: سازمان سمعی و بصری.
مکی، حسین (۱۳۸۰). *تاریخ بیست ساله ایران* (ج ۶). تهران: علمی.
نامه راه (۱۳۱۹)، تیر و مرداد، ۲ و ۳.
نفیسی، سعید (بی تا). جغرافیای تاریخی خلیج فارس. در *مجموعه مقالات خلیج فارس* (ج ۲). بی جا: سازمان
سمعی و بصری.
اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

